

تحلیلی بر نسبت دنیا و آخرت و دلالت‌های تربیتی آن

دکتر حسن ملکی*

یاسر ملکی**

چکیده

هدف این مقاله تبیین مناسبات دنیا و آخرت و تعیین دلالت‌های تربیتی آن است. این رویکرد می‌تواند نگرستن به رابطه دنیا و آخرت و تنظیم عملکرد و رفتارهای فردی و اجتماعی در جهت حیات طیبه را تحت تأثیر قرار دهد. برای تبیین چگونگی نسبت دنیا و آخرت، ماهیت این دو بررسی و آشکار شد که دنیا و آخرت از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. جدا انگاری زمانی به وجود می‌آید که ماهیت اصلی حیات دنیوی و اخروی شناخته نشود. برای تبیین چگونگی حرکت در دنیا و رسیدن به حیات طیبه نیز با توجه به تجزیه و تحلیل سؤال نخست، اصولی تعیین شد. نگرش صحیح به دنیا، باور به برتری آخرت بر آن، نیرومندسازی اراده، تقویت حس کرامت و محاسبه خود از جمله این اصول است. برای استنتاج دلالت‌های تربیتی از روش توصیفی و تحلیلی استفاده و به‌وسیله استدلال عقلی دلالت‌هایی تعیین شد. چند هدف تربیتی از قبیل شناساندن ماهیت دنیا به افراد، توانایی عمران و آباد کردن دنیا، آگاهی از رابطه حقیقی دنیا و آخرت، تقویت روحیه صبر و پایداری و یادگیری سبک زندگی مهم‌ترین هدف‌های تربیتی را تشکیل می‌دهد. در پایان نیز پیشنهادهای کاربردی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: دنیا، آخرت، دنیای ممدوح، دنیای مذموم، دلالت تربیتی

مقدمه

پرسش از ماهیت دنیا و آخرت و چگونگی برقراری نسبت معقول و معنادار میان آن دو، در زمره پرسش‌های کلیدی و بنیادین است که ذهن هر حقیقت‌جویی را مشغول می‌کند. ضرورت طرح این پرسش به اندازه‌ای است که بدون پاسخ‌گویی صحیح به آن، امکان ورود به مبحث معرفت و معنویت اسلامی و پیشروی در آن وجود ندارد. مهم‌ترین دلیل این موضوع همراهی عمل صالح با ایمان است. خدای متعال در آیات ۲-۴ سوره «عصر» پس از سوگند به عصر، انسان خسران‌زده را کسی معرفی می‌کند که ایمان نیاورده و عمل صالح انجام نمی‌دهد و وصیت به حق و صبر نمی‌کند. به‌طور کلی آنچه بدان کنش فردی و جمعی اطلاق می‌شود، واجد دو جهت‌گیری دنیایی و اخروی است که درست در تضاد با هم قرار دارند. فهم درست این واقعیت، زمانی امکان‌پذیر است که فرد، قصد و نیت انجام عمل را دارد. هر نیتی از سوی عامل به‌مثابه آینه‌ای است که نوع جهت‌گیری انتخابی او در آن به‌خوبی منعکس است.

در نظام تربیتی اسلام، کوشش دنیوی و جدیت در راستای عمران و آبادسازی دنیا هیچ‌گونه خللی به بنیان‌های اصیل معرفتی و معنوی وارد نمی‌کند و همواره این مکتب آسمانی، ضمن دعوت به تلاش و کوشش در دنیا و آباد کردن زمین، انسان را متوجه غایت حیات می‌کند. «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ؛ او شما را از زمین آفرید و به آبادانی آن واداشت؛ پس از او آمرزش بخواهید و آنگاه به سوی او بازگردید که پروردگار من نزدیک است و پاسخ‌دهنده» (هود، ۶۱). معنای والای پنهان این آیه، دلالت بر ضرورت شناخت حیات دنیوی دارد؛ از این رو، نخستین سؤال پژوهش حاضر معطوف به شناخت دنیاست. حیات دنیوی چیست و چه رابطه‌ای با حیات اخروی دارد؟

شناخت ماهیت دنیا لازم و ضروری است ولی برای زندگی دنیوی باید قواعدی را رعایت کرد؛ اصولی زیستن و پایبندی به قواعد، شرط اساسی حیات معقول، رو به کمال و پویاست. بنابراین، سؤال دوم مقاله این است که در حیات دنیوی چه اصولی را باید رعایت کرد تا به سوی حیات جاودان حرکت نمود؟ صرف رعایت و پایبندی به اصول کافی نیست؛ بلکه حرکت در جهت حیات پایدار اخروی نیز مهم است. از طریق پاسخ به این پرسش می‌توان اصول متناسب با این سیر کمالی را تدوین کرد.

کسب شایستگی‌ها و قابلیت‌های فکری، روحی و معنوی در حیات دنیوی و حرکت در جهت حیات جاودان، یک مقوله تربیتی است. طرز تلقی‌ها، نگرش‌ها و آرمان‌های آدمی باید به گونه‌ای شکل بگیرد که بتواند نسبت معقول و همسو با آموزه‌های قرآنی با دنیا برقرار کند. بر این اساس و بر پایه تحلیل مناسبات دنیا و آخرت می‌توان دلالت‌های تربیتی مفید و قابل اجرا پیشنهاد کرد. سؤال سوم، استنتاج چنین دلالت‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهد که از تحلیل نسبت دنیا و آخرت کدام دلالت‌های تربیتی قابل استنتاج است؟

روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش‌برداری، اطلاعات لازم در پاسخ به پرسش‌های مقاله گردآوری و سپس به روش عقلانی تجزیه و تحلیل شد.

مفهوم‌شناسی دنیا

معنای لغوی

واژه «دنیا» مؤنث «ادنی» است که یا از ماده «دنی» و «دناءت» به معنای پست‌تر یا از ریشه «دنو» به معنای نزدیک‌تر گرفته شده است (فرهنگ لاروس، ۱۳۸۶، ص ۹۹۶). دنیا را از آن جهت که نسبت به آخرت، پست‌تر و ناچیزتر است؛ دنیا می‌نامند و یا از آن رو که نسبت به آخرت به ما نزدیک‌تر است.

واژه «آخرت» که مقابل دنیا است به معنای دورتر است (فرهنگ لاروس، ۱۳۸۶، ص ۸۳) و همه مراحل پس از زندگی دنیا را دربرمی‌گیرد.

معنای اصطلاحی

«دنیا» در نظام اعتقادی اسلام به پایین‌ترین سطح از عوالم به لحاظ رتبه وجودی گفته می‌شود که از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که یکی از آنها آمیختگی دنیا با شدائد و گرفتاری‌هاست، سرایی است که با درد و رنج آغاز می‌شود و با انواع گرفتاری‌ها ادامه می‌یابد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛ به یقین ما انسان را در رنج آفریدیم (بلد، ۴). حتی مرفه‌ترین زندگی‌ها از انواع دردها و رنج‌ها خالی نیست و به هر حال هر کس به نوعی گرفتار است و کسی که غیر از آن بطلبد، در واقع می‌خواهد طبیعت جهان را دگرگون کند و این ممکن نیست. ویژگی دیگر دنیا، فناپذیری است. تمام افراد این حقیقت را دریافته‌اند که باید سرانجام با زندگی وداع کنند؛ گروهی زودتر

و گروهی دیرتر (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۱۶-۳۱۷). اینکه انسان‌ها با نظر به غایت زندگی چه نسبتی را با واقعیت‌های دنیا- با توجه به ویژگی‌های یادشده- برقرار می‌کنند، دارای دنیا‌های متفاوت می‌شوند؛ بنابراین، از دو دنیای ممدوح و مذموم به شرح زیر می‌توان سخن گفت:

دنیای ممدوح

به مجموعه مناسبات آدمی با نعمت‌ها و مخلوقات الهی اعم از مادی و غیرمادی اطلاق می‌شود که خداوند آنها را بر اساس علم و حکمت بالغه خویش برای تأمین چرخه زندگی و بقا انسان مقرر فرموده است. این مخلوقات گاهی شامل پدیده‌ها و جاذبه‌های طبیعی است که در قرآن کریم به‌عنوان آیه‌ای از آیات الهی از آنها یاد شده - است. از آن جهت که زشتی و نقص در ساحت ربوبی راه ندارد و تمام آفریده‌های الهی بر اساس طرح و نقشه‌ای معین و حکیمانه پدید آمده‌اند، نمی‌توان وصف مذمت و نکوهش را درباره هیچ‌یک از افعال و جلوه‌های خلقی خداوند به کار برد. «از جمله اصول جهان‌بینی اسلامی این است که هیچ‌گونه ثنوتی در هستی نیست. آفرینش از نظر بینش توحیدی اسلام به دو بخش «باید» و «نباید» تقسیم نمی‌شود؛ یعنی چنین نیست که برخی موجودات خیر و زیبا هستند و می‌بایست آفریده شوند و برخی دیگر شر و نازبا هستند و نمی‌بایست آفریده شوند» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۵۴). زینت‌ها و رزق حلال و پاکی را که خداوند پدید آورده، طبق فرهنگ قرآن کریم از مصادیق همان نعمت‌های طبیعی است که باید از آنها بهره گرفت. «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ بگو: چه کسی آرایشی را که خداوند برای بندگان خود پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: اینها در زندگی دنیا برای مؤمنان است. در حالی که در روز رستاخیز ویژه ایشان است. بدین‌گونه آیات را برای گروهی که بدانند به تفصیل بیان می‌کنیم.» (اعراف، ۳۲). مشابه همین مضمون به ترتیب در آیات ۸۷ و ۷۷ از سوره‌های مبارکه مائده و قصص نیز آمده است.

بعد از مخلوقات طبیعی دسته دیگری از نعمت‌های الهی مرئی و محسوس نیستند و تأمین‌کننده بخشی از نیازهای اصیل و واقعی انسان هستند که از جمله آنها وجود عواطف و علاقه‌هایی است که در نهاد بشر وجود دارد و جزء سرشت اوست. فلسفه این تمایلات فطری و درونی، تقویت و توسعه پیوندهای اجتماعی از یک‌سو و

اعتمادسازی و روان‌سازی روابط اجتماعی از سوی دیگر است. شهید مطهری (ره) در این خصوص می‌فرماید:

انسان در نظام کلی خلقت همواره با یک سلسله علائق، عواطف و تمایلات آفریده می‌شود و این تمایلات جزء سرشت اوست. او خودش اینها را کسب نکرده است و به‌علاوه این علائق زائد و بیجا نیست. همان‌طوری که در بدن انسان هیچ عضو زائدی وجود ندارد، تمام تمایلات و عواطف سرشتی بشر متوجه هدف‌ها و غایاتی حکیمانه است. قرآن کریم این عواطف را به‌عنوان آیات و نشانه‌هایی از تدبیر الهی و حکمت ربوبی یاد می‌کند (سوره روم، آیه ۲۱). این علائق و عواطف جزئی از نظام عمومی آفرینش است. انبیاء و اولیای حق از این عواطف در حد اعلی برخوردار بودند. (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۵۵-۲۵۶)

دنیای مذموم

در مقابل دنیای ممدوح، دنیای مذموم قرار دارد که در تعالیم دین به کناره‌گیری از آن توصیه اکید شده است. دنیا در معنای مذموم آن تعلقات، اعتبارات و «ما» و «من»‌هایی است که آدمی را به گناه و ادا می‌کند. دنیا عبارت از لهو و لعب، زینت، تفاخر و تکاثر در اموال و اولاد است. «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ» (حدید، ۲۰)؛ دنیا در این مراحل پنج‌گانه خلاصه می‌شود و هر کسی را در هر سنی با ابزارهای خاصی فریب می‌دهد و این فریب سم روح است و روح مسموم برای ابد در رنج است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸). دنیاگرایی مذموم که شامل وابستگی‌ها و کشش‌های غفلت‌آور و فریبنده است و با میدان جاذبه‌ای که تولید می‌کند آدمی را از تکاپو و جنبش باز می‌دارد و او را در حصار دنیا محبوس می‌کند. قرآن کریم خطاب به آدم و حوا می‌فرماید: «لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ: به این درخت نزدیک نشوید» (بقره، ۳۵)، خداوند به آنان فرمود: «لَا تَأْكُلُوا مِنْهُ الشَّجَرَةَ» بلکه به آدم و حوا فرمود: به آن درخت ممنوعه نزدیک نشوید. آنان با وسوسه ابلیس از این فرمان سرپیچی کردند و هبوط نمودند. بر این اساس، مؤمن لحظه‌ای نباید غافل باشد که همه وسایل، امکانات و زینت‌هایی که خداوند به آدمی عطا فرموده «تنها برای آن است که آدمی آن را وسیله سعادت آخرتی خود قرار دهد و از کالا و سود آن توشه‌ای برای جهان دیگر بردارد، نه آنکه زخارف و زینت‌های آن را با دیده استقبال بنگرد و تمام مقاصد خویش دانسته و قسمت‌های دیگری را که در پیش دارد به وادی فراموشی سپارد» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۰).

ماهیت دنیا و رابطه آن با آخرت

حیات دنیوی در آیات و روایات اسلامی به اشکال گوناگون توصیف شده است. معرفی این ویژگی‌ها ما را با ماهیت دنیا آشنا و در برقراری نسبت و رابطه با آن کمک می‌کند:

۱. جلوه‌گاه نشانه‌های الهی

دنیا مرتبه‌ای از مراتب طولی کیهان هستی است. آنچه «هستی» نامیده می‌شود، مشتمل بر طبقات مختلفی است که نه تنها با هم رابطه طولی دارند، بلکه هر طبقه نیز شمار خاصی از واقعیت‌ها را دربر می‌گیرد. در این معنا، «دنیا» به منظومه‌ای از واقعیت‌های مادی و محسوس اطلاق می‌شود که حلقه‌ای از حلقه‌های زنجیره بزرگ خلایق را تشکیل می‌دهد. به لحاظ هستی‌شناختی، عالم محسوسات از حیث درجه آگاهی موجودات آن و ظرفیتی که در انعکاس حقایق مجرد دارد، در پایین‌ترین طبقات قرار می‌گیرد. به هر میزان که از عالم ماده فاصله می‌گیریم و به طبقات عالی‌تر هستی می‌رسیم به حقایق تازه‌ای نائل می‌شویم. بر این اساس، «دنیاپرستی» که مورد نکوهش ادیان آسمانی قرار گرفته است، هرگز به معنای نفی عالم ماده نیست؛ زیرا در فرهنگ اسلامی امور مادی و طبیعی نشانه‌های الهی هستند که بر اساس حکمت و غایتی خلق شده‌اند. «بزرگ‌ترین دینی که نه تنها واقعیت عینی و ماده در جریان منظم را پذیرفته است، بلکه آن را حق اعلام نموده، اسلام است و معلوم است که حق در اصطلاح فلسفه اسلامی، واقعیت شایسته وجود را گویند.» (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۱۵۷). برای نمونه در آیه ۸ سوره مبارکه روم به اندیشیدن درباره حقانیت واقعیات عینی دستور داده شده است «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَاجِلٍ مَّسْمِيٍّ؛ آیا در درون خود نیندیشیده‌اید که خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست جز به حق و سرآمدی نیافریده است؟».

۲. گذرگاه فرصت‌ها

«دنیا» در معنای دوم، مجموعه‌ای از فرصت‌ها است. آدمی برای کسب کمالات علمی و معنوی محتاج زمینه‌ها و زمان‌های مناسبی است که آن را زندگی دنیوی پیش روی او قرار می‌دهد؛ مشروط به آنکه آدمی از این فرصت‌ها به موقع و به درستی استفاده کند. یکی از آموزه‌های دین اسلام هم آن است که «دنیا» را تجارت‌خانه‌ای می‌داند که هر لحظه از آن می‌تواند امکان تازه‌ای را برای تعالی فکر و روح انسان به وجود آورد. حضرت علی (ع) در همین رابطه می‌فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرًّا السَّحَابُ فَاَنْتَهَزُوا فُرْصَ

الخیر؛ فرصت‌ها چون ابرها می‌گذرند، پس فرصت‌های نیکو را غنیمت شمارید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱). توصیه‌های بزرگان دین درباره غنیمت شمردن «دنیا» و موقتی بودن زندگی دنیوی گویای آن است که به دنیا باید به‌عنوان معبر و گذرگاهی نگریست که برای قرار دائمی انسان آفریده نشده است و ظرفیت‌های کافی و لازم برای پاسخ‌گویی و رفع نیازهای عالی انسانی را ندارد، نیازهایی که ریشه در روح «بی‌نهایت‌طلب» انسان دارند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «ایها الناس! انما الدنيا دارٌ مجاز و الاخرة دارٌ قرار، فخذوا من مَمَرِكُمْ لِمَمَرِكُمْ وَلَا تَهْتَكُوا اسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ اسْرَارَكُمْ؛ ای مردم! دنیا سرای گذر است و آخرت خانه قرار و ابدی؛ پس از گذرگاه خویش برای سرمنزل ابدی توشه بگیرید و پرده خویش را پیش کسی که به اسرارتان آگاه است، ندرید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۳).

۳. نمایشگاه حوادث و عملکردها

دنیا نمایشگاه بزرگی از حوادث و عملکردهای مثبت و منفی انسانهاست. برخلاف افرادی که تصور می‌کنند دنیا سیمای پوشاننده و فریبنده‌ای دارد، دنیا با اهالی خود برخورد صادقانه‌ای دارد. این نمایش صادقانه، حامل دو پیام تربیتی مهم برای روندگان آگاه و بصیر است. پیام نخست اینکه با مشاهده فکورانه جلوه‌های رفتاری زشت و زیبا و حوادث تکان‌دهنده و پندآموز می‌توان به اصول مفید و مؤثر دست یافت و مبتنی بر آن امکانی را برای تنظیم مطلوب روابط و برخوردها به وجود آورد. دنیا واعظ و پنددهنده‌ای است که هر رویدادی را بی‌کم و کاست و بدون کوچک‌ترین تحریف و تعرض در آن، آشکار می‌کند. رخدادها و جریان‌های عالم دنیا برای هر انسان اندیشه‌ورز می‌تواند به موضوعی بکر و مناسب برای تفکر و اندیشه‌ورزی تبدیل شود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ صَدَقَ لِمَنْ صَدَّقَهَا وَ دَارٌ عَافِيَةٌ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا وَ دَارٌ غَنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا؛ دنیا برای درستکاران سرای راستی است و برای آن‌کس که گفتارش را دریابد سرای عافیت و سرمنزل سعادت است و برای آن‌کس که توشه آن جهان را از دنیا برگیرد دیار توانگری است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۱).

پیام تربیتی دیگر قابل استنباط مربوط به کسانی است که فریبندگی را خصلت ذاتی دنیا می‌دانند و مدام دنیا را نفرین و نکوهش می‌کنند. عادت این گروه از انسان‌ها آن است که همه کاستی‌ها و خطاهای پنهان و آشکار خود را به خارج از دنیای درون حواله می‌دهند و زبان به لعنت و نفرین روزگار می‌گشایند و به نحوی با توجیه و

فرافکنی در پی سلب مسئولیت از خود هستند. غافل از اینکه در هر خطا و کوتاهی از سوی انسان با اینکه نمی‌توان سهم عوامل بیرونی را انکار کرد؛ اما در بروز آن درصد قابل توجهی به اشتباهات و ناکامی‌های فردی اختصاص پیدا می‌کند. حضرت علی(ع) در پاسخ به کسی که به نکوهش دنیا برخاسته بود فرمود: «ایها الذّام للذّیاء المّعترّ بغرورها، المنخدعُ باباطیلها، اتعترّ بالذّیاء ثمّ تدمّها؟! انت المتجرّم علیها أم هی المتجرّمه علیک؟ حتی استهوتک ام متی غرّتک؟» ای نکوهش‌کننده دنیا که خود به غرور دنیا مغروری و با باطل‌های آن فریب خورده‌ای؟ آیا دنیا به تو جرم کرده است؟ کی دنیا تو را سرگردان کرد؟ و در چه زمانی تو را فریب داد؟» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱).

۴. پرورشگاه استعدادها

کسانی که رمز تعالی و پیشرفت را در زندگی یافته‌اند، متوجه این حقیقت شده‌اند که دنیا ظرف مناسبی برای شکوفایی و فعلیت‌یابی استعدادهای نهفته درونی است. پرورش هر استعدادی امکانات و شرایط خاص را می‌طلبد که این لوازم رشد و کمال در این دنیا به قدر کفایت و انسداد باب توجیّهات انسانی فراهم است. باید دانست که کمال‌یافتگان در همین دنیا به درجات عالی و رتبه‌های معنوی عظیم نایل آمده‌اند. این افراد با گام نهادن در مسیر طاعت و بندگی از محدودیت‌ها و تنگناها به درآمده و سطوح شخصیت‌شان را بارور ساخته‌اند. قرآن کریم در توصیف مردان الهی می‌فرماید: «رِجَالٌ لَّا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَأَبِیْعُ عَن ذِکْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِیتَاءِ الزَّكَاةِ؛ مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا به پا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند.» (نور، ۳۷).

دنیا برای مردان حق به مثابه مادری است که در دامن آن پرورش می‌یابد و پس از طی مراحل رشد، مسیر مستقلی را برای خود برمی‌گزینند و نه مانند فرزندان وابسته‌ای که تا پایان عمر خود را از هر حیث، طفیلی و وابسته به وجود مادر می‌دانند تا آنجا که بدون او احساس ضعف و بی‌هویتی می‌کنند. «هیچ مشاهده و تجربه و تعلقی اجازه نمی‌دهد که جنین رحم مادر را برای خود اقامت‌گاه ابدی فرض کرده و با نیت زندگی در رحم و با نفی هرگونه ماورای آن رحم با محتویات و جدارها و تحولات عارضه بر رحم عشق بورزد؛ همچنین نوع بشر با اعتقاد به کمال اهمیت این رحم بزرگ دنیا و به ارتباط مستقیم و همه جانبه آن، با رشد و کمال طبیعی و معنوی بشر، نباید به این رحم عشق بورزد؛ زیرا عشق، عاشق را در معشوق فانی می‌کند» (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۱۶۱-۱۶۲).

مولانا در مثنوی، دنیا را به درختی تشبیه می‌کند که میوه‌های پخته و رسیده، وابستگی‌شان را از درخت قطع می‌کنند؛ اما میوه‌های نارس تا پایان به درخت وابستگی دارند. آنانی که استعدادها در نهادشان به فعلیت نرسیده، حکم همان میوه نارس را دارند؛ اما پرورش‌دهندگان فطرت که از درون به پختگی و غنای درونی رسیده‌اند، خویشتن خویش را در جهانی بزرگ‌تر از رحم دنیا می‌یابند و با تمام وجود نسبت به قلت و ناچیزی حیات دنیوی باور عمیق پیدا می‌کنند.

این جهان همچون درخت است ای کرام / ما بر او چون میوه‌های نیمه خام
سخت گیرد خام‌ها مر شاخ را / زآنکه در خامی نشاید کاخ را
چون پخت و گشت شیرین لب گزان / سست گیرد شاخ‌ها را بعد از آن
سخت‌گیری و تعصب خامی است / تا جنینی کار خون‌آشامی است
(مثنوی معنوی، دفتر سوم، ابیات ۱۲۹۵-۱۲۹۳)

۵. آزمایشگاه اراده‌ها

حیات دنیوی پستی‌ها و بلندی‌های فراوانی دارد و تنگناهایی را به متن زندگی انسان‌ها وارد می‌کند. این ویژگی دنیا سبب ارزیابی جدی اراده انسان‌ها در آزمایشگاه دنیا می‌شود. به میزانی که انسان‌ها بتوانند از نیروی اراده خود استفاده کنند، علیه موانع و عوامل بازدارنده قیام می‌کنند و ابعاد وجودی خود را در متن حوادث دنیا توسعه می‌دهند. از منظر تعالیم دینی ساکنان دنیا هر لحظه در معرض آزمون هستند. واکنش‌ها و مواضعی که انسان‌ها در برابر حوادث دنیا از خود نشان می‌دهند؛ وضع آنان را در این آزمون‌های الهی معین می‌کند. برندگان این آزمون افرادی هستند که درس بندگی را آموخته‌اند و در برابر هجوم بی‌امان مشکلات با صلابت کامل ایستادگی می‌کنند؛ اما کسانی که حیات دنیوی را بر حیات اخروی ترجیح می‌دهند و به جاذبه‌های کوتاه و زودگذر آن دل سپرده‌اند، وقوع بحرانی کوچک کافی است تا طومار زندگی آنان را در هم بیچد و شکاف‌های عمیقی را در ابعاد مختلف زندگی آنها ایجاد کند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ ما آنچه را روی زمین است زینت آنان قرار دادیم تا آنها را بیازماییم که کدامشان بهتر عمل می‌کنند» (کهف، ۷).

۶. قربانگاه فضیلت‌ها

در آموزه‌های دینی، توصیف فوق‌العاده مذمومی نیز از دنیا بیان شده است. دنیادوستی از بزرگ‌ترین و سخت‌ترین حجاب‌هایی است که میان انسان و حقیقت حائل می‌شود و از

ورود نور ایمان و معرفت به حریم قلب انسان جلوگیری می‌کند. «انسان چون ولیده همین عالم طبیعت است و مادر او همین دنیا است و اولاد این آب و خاک است. حب این دنیا در قلبش از اول نشو و نما و مغروس است و هرچه بزرگ‌تر شود، این محبت در دل او نمو می‌کند و به واسطه این قوای شهویه و آلات التذایبه که خداوند به او مرحمت فرموده برای حفظ شخص و نوع، محبت او روزافزون شود و دلبستگی او رو به ازدیاد گذارد و چون این عالم را محل التذاذات و تعیشات خود می‌پندارد و مردن را اسباب انقطاع از آنها می‌داند و اگر به حسب برهان حکما یا اخبار انبیاء صلوات‌الله علیهم عقیده‌مند به عالم آخرت شده باشد و به کیفیات و حیات و کمالات آن، قلبش باز از آن بی‌خبر است، چه برسد به آنکه به مقام اطمینان رسیده باشد؛ لهذا حبش به این عالم خیلی زیاد می‌شود» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲). دنیاگرایی مذموم که قربانگاه فضیلت‌ها و ارزش‌های والای انسانی است، محصول نوع نسبتی است که انسان با امور زندگی‌اش خواه مادی و معنوی برقرار می‌کند. نسبتی رکودزا و غفلت‌آور که مانع تحرکات فکری و روحی اثربخش می‌شود. با تأسف گاهی ارتباط با امور معنوی به گونه‌ای است که معنویت در استخدام کامل من منفعت‌طلب و لذت‌خواه قرار می‌گیرد. اینکه برخی از نردبان معنویت‌گرایی بالا می‌روند تا موقعیت اجتماعی و سیاسی خود را تثبیت کنند و به یک شهرت اجتماعی دست یابند یا برخی مقامات دنیوی را به چنگ آورند، مصداق همان دنیاگرایی مذموم است. تمامی تأکیدات عقلی و نقلی در این خصوص به همراه تجارب تلخ تاریخی بیانگر آن است که گستره دنیاپرستی فوق‌العاده وسیع است که بسیار فراتر از ماده و جلوه‌های آن است و همان‌طور که بیان شد دنیاپرستی گاهی در پوشش زیبای معنویت نمایان می‌شود، با این حال مظاهر دنیاپرستی در یک نقطه با هم اشتراک دارند و آن پرستش هواهای نفسانی و پیروی از پندارها و خیال‌های واهی شخص دنیاپرست است. قرآن کریم در مذمت حیات دنیوی این گونه می‌فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ؛ بدانید که زندگانی دنیا بازی و بیهودگی و آرایش و فخر کردن با یکدیگر و افزون‌طلبی در مال‌ها و فرزندان است» (حدید، ۲۰). کلمه «لهو» به معنای هرچیز و هرکار بیهوده‌ای است که انسان را از کار مهم و مفید باز می‌دارد و به خود مشغول می‌کند. بنابراین، یکی از مصادیق لهو، زندگی مادی دنیا است برای اینکه آدمی را با زرق و برق و آرایش فانی

و گول‌زننده خود از زندگی باقی و دائمی باز می‌دارد و به خود مشغول و سرگرم می‌کند. کلمه «لعب» به معنای کار یا کارهای متوالی است که با نظامی معین و در همین حال بیهوده و بی‌فایده انجام شود، زندگی دنیا همان‌طور که به اعتباری لهو است به اعتبار اینکه برای خود قواعدی دارد لعب نیز هست برای اینکه فانی و زودگذر است. همچنان‌که بازی‌ها این‌طور هستند عده‌ای بچه با حرص و شور و هیجان عجیبی بازی را شروع می‌کنند و خیلی زود از آن سیر و از هم جدا می‌شوند و نیز همان‌طوری که بچه‌ها بر سر بازی داد و فریاد راه می‌اندازند و پنجه بر روی هم می‌کشند با اینکه آنچه بر سر آن نزاع می‌کنند جز خیالاتی موهوم نیست، مردم مادی نیز بر سر بازیچه دنیا با یکدیگر می‌جنگند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۲۳۶-۲۳۷). «زینت» به اصطلاح علم صرف بنای نوع است؛ یعنی می‌فهماند که برای مثال فلانی به نوعی مخصوص خود را آراسته و چه بسا منظور از آن وسیله آرایش باشد و به این منظورش استعمال کنند و آرایش عبارت از آن است که چیز مرغوبی را ضمیمه چیز دیگری کنی تا مردم به خاطر جمالی که از این ضمیمه حاصل شده مجذوب آن چیز شوند و «تفاخر» به معنای مباحثات به حسب و نسب است و «تکاثر» در اموال و اولاد به معنای این است که شخصی به دیگری فخر بفروشد که من مال و فرزند بیشتری دارم و زندگی دنیا عرضی است زائل و سرابی است باطل که از یکی از خصائل پنج‌گانه خالی نیست (همان، ص ۳۳۸-۳۳۹).

نسبت میان دنیا و آخرت

از مجموع آنچه درباره ماهیت دنیا و آخرت بیان شد این معنا فهمیده می‌شود که میان دنیا و آخرت نمی‌توان تفکیک قائل شد. «حیات و سعادت اخروی انسان در گرو چگونه زیستن او در این دنیا است. از دیدگاه اسلام زندگی اخروی هر فرد توسط خود او و در این دنیا ساخته می‌شود؛ بدین معنا که اعتقادات، علائق، نیات و رفتار انسان شکل‌دهنده شخصیت واقعی او در این دنیا و چهره حشری در آخرت است. قرآن ارتباط نزدیک و ناگسستنی دنیا و آخرت را گاه در قالب «چهره انسان در آخرت» (طه، ۱۲۶-۱۲۴) گاه تجسم اعمال (توبه، ۳۵-۳۶؛ قلم، ۴۲-۴۳) و گاه در میان «عینیت پاداش و کیفر اخروی با اعمال دنیا» (زلزله، ۶-۸) بیان فرموده است». (اکبریان، ۱۳۷۶، ص ۲۹۹). اینکه در روایات اسلامی «دنیا کشتزار آخرت است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ص ۵۷۴۷) حکمت بسیاری در آن نهفته است.

مطابق با روایت نورانی یاد شده، هر انسان آخرت طلب باید دنیا را به چشم یک کشتزار بزرگی ببیند که اعمال و رفتارها حکم بذریه‌ها را دارد که در این کشتزار پاشیده می‌شود. همان‌طور که در کار زراعت، مراحل سه‌گانه کاشت، داشت و برداشت از هم جدایی‌ناپذیرند هر انسانی نیز در این دنیا، دانسته یا ندانسته به کار زراعت مشغول است. هر بذری که در مزرعه دنیا کاشته می‌شود به‌طور مسلم توسط زارع درو خواهد شد. لکن نکته تأمل برانگیز آن است که هر بذری مستعد سبزی و رویش نیست. آن که بذری ظلمت و تباهی را در کشتزار دنیا می‌کارد جز فلاکت و بیچارگی برداشت نخواهد کرد. در قرآن کریم از دنیا تعبیر به «متاع» شده است «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ»؛ به زندگی این جهان شادمان شدند و حال آنکه زندگی این جهان در برابر آن جهان جز بهره‌ای نیست» (رعد، ۲۶). «به‌طوری‌که از سیاق بر می‌آید، مقصود این است که رزق حقیقی همان رزق آخرت است، ولیکن عهدشکنان به‌خاطر تمایل به ظاهر زندگی دنیا و زینت آن از زندگی و رزق آخرت غافل شده‌اند و به دنیا اعتماد کرده‌اند و در نتیجه به داشتن آن خوشحالی می‌کنند و حال آنکه زندگی دنیا متاع و وسیله‌ای است و مقصود به ذات نیست. بنابراین، اگر زندگی دنیا را با زندگی آخرت مقایسه کنیم وقتی حق است که به نظر آلی و مقدمی لحاظ شود و منظور از آن کسب رزق آخرت و وسیله زندگی آن سرای بوده باشد و اما اگر برعکس، منظور از آن خود آن باشد و به نظر استقلالی لحاظ شود خود یکی از مصادیق باطل خواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۵۳۳-۵۳۴).

اصول تحقق حیات معقول

در این قسمت، اصولی بررسی می‌شود که به برقراری نسبت بالغ و سازنده میان حیات دنیوی و سرای جاویدان یاری می‌رساند:

اصل نخست) نگرش صحیح به دنیا

اولین گام در نسبت سالم میان دنیا و آخرت، تعیین و تعریف نگرش‌ها در مورد دنیا است. اینکه ما از چه منظر و دریچه‌ای به زندگی دنیوی می‌نگریم به مقدار زیادی، مقاصد، انتظارات و تصمیمات را در این سرای موقت مشخص می‌کند.

در نگرش لیبرالیستی که گفتمان غالب تمدن غرب را تشکیل می‌دهد، تأمین حداکثر آزادی‌های فردی و ارضاء خواسته‌ها و امیال شخصی راهبرد اصلی و اصیل

این مکتب شمرده می‌شود. «دنیا» در تعریف این مکتب، کانون تبلور اقتضائات غریزی و تحرکات آزاد و بدون قید فردی است. بی‌شک این نوع رویکرد به «دنیا» منجر به خلق گونه‌ای از روابط انسانی بر محور رقابت‌های ناسالم و غریزه‌پرور خواهد شد. روابطی زیاده‌خواهانه و طلبکارانه که در آن هر کس تمام ظرفیت موجود خود را به کار می‌گیرد تا به هر نحوی از رقبای خود پیشی بگیرد. درست در نقطه مقابل این طرز فکر، نگرش توحیدی قرار دارد که مَبْلَغ نگرش صحیح و معتدل در مورد دنیا و آخرت است. بر این اساس در مکتب اسلام نگرش‌های «دنیاستیز»، «دنیاگریز» و «دنیاپرست» هیچ‌کدام با شأن و منزلت انسان سازگاری ندارند و دارندگان آنها قادر به برقراری نسبت معقول و رشدآور با «دنیا» نخواهد بود؛ بلکه نگرش صحیح همان است که «دنیا» به مثابه، پُل و گذرگاهی دیده شود که «موقتی بودن»، «محدود بودن» و «قلیل بودن» از ویژگی‌های ذاتی آن است. در نگرش توحیدی، حیات دنیوی به هیچ نحو با عالم آخرت قابل مقایسه نیست. نسبت عالم دنیا به آخرت نسبت کاشت و برداشت است. بنابراین، توصیه ادیان توحیدی به رهروان راه کمال این است که در تشخیص هدف و وسیله گرفتار خطا و اشتباه نشوند و تمتع از دنیا را سقف آرزوها و خواسته‌های خود قرار ندهند.

اصل دوم) برتری آخرت به دنیا

در متون دینی، عالم آخرت برتری ذاتی و ارزشی بر عالم دنیا دارد. باور به این برتری هنگامی حاصل می‌شود که فرد به روش تطبیق، دنیا و آخرت را با یکدیگر مقایسه کند. خاصیت مقایسه امور با یکدیگر آن است که نیروهای ادراکی و شناختی به سمت درک حقیقت و انتخاب نمونه برتر جهت پیدا می‌کنند. از طریق مقایسه به قوت و کارایی خرد افزوده می‌شود و زمینه‌ها و شرایط کافی و مناسب برای رسیدن به یک اقتناع درونی فراهم می‌شود. این روش بهترین و مطمئن‌ترین راه برای کشف مزیت‌ها و برتری‌هاست. قرآن کریم در آیات متعدد انسان‌ها را فرا می‌خواند تا از طریق همین شیوه، برتری آخرت به دنیا را باور کنند و به این اطمینان قلبی برسند که آخرت‌طلبی دنیاطلبی را با خود به همراه دارد؛ اما عکس آن درست نیست. بنابراین، برنده، آن کسی است که از یک‌سو انگیزه‌ها، خواسته‌ها و اعمالش صبغه آخرتی دارد و از سوی دیگر، از امکانات و ثروت‌های دنیوی نیز به قدر نیاز و کفایت بهره‌مند می‌شود. توصیف قرآن کریم از «دنیا» و «آخرت» در جدول زیر ارائه شده است. این توصیفات به خوبی برتری‌های آخرت را بر دنیا نمایان می‌کند.

ردیف	توصیف دنیا	توصیف آخرت
۱	دنیا کالای فریب است (آل عمران، ۱۸۵؛ حدید، ۲۰)	آخرت سرای خیر و نیکی است (انعام، ۳۲؛ نحل، ۳۰؛ یوسف، ۱۰۹)
۲	کالای دنیا اندک است (نساء، ۷۷؛ توبه، ۳۸)	آخرت خواسته خداوند است (انفال، ۶۷)
۳	این دنیا، بازیچه و سرگرمی است (انعام، ۳۲؛ محمد، ۳۶)	سرای آخرت زندگانی راستین است (عنکبوت، ۶۴)
۴	دنیا بهره اندکی بیش نیست (رعد، ۲۶)	آخرت سرای ثبات و پایداری است (غافر، ۳۹)
۵	مزد دنیوی قلیل است (نحل، ۴۱)	مزد آخرت بزرگ تر است (نحل، ۴۱)

اصل سوم) نیرومندسازی اراده

برای رهایی از جاذبه‌های فریبنده دنیا راهی جز نیرومندسازی اراده وجود ندارد. مطابق با دیدگاه حکمای اسلامی، حیوانات از موهبت عزم و اراده محروم هستند و فقط به مقتضای میل و غریزه عمل می‌کنند؛ اما انسان‌ها افزون بر نیروی غریزه، از نیرویی منحصر به فرد به نام اراده برخوردارند. در تفاوت میان «میل» و «اراده» این گونه گفته می‌شود که «اگر نیروی کشش و جاذبه و تلاش و کوشش تحت رهبری وهم، شهوت و غضب تنظیم گردد، میل نامیده می‌شود و موجودی که در حد وهم می‌اندیشد و بر اساس وهم کار می‌کند، متحرک بالمیل است نه بالاراده، ولی اگر این تلاش و کوشش و جذب را عقل عملی به عهده بگیرد نه وهم، اراده نام دارد و موجودی که با رهبری عقل، تلاش و کوشش می‌کند متحرک بالاراده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸-۱۲۹). همان‌طور که از این تعریف برمی‌آید اراده نیرویی است که از عقل فرمان می‌گیرد و دستورات او را اجرا می‌کند. بنابراین، افرادی که بر موج اراده‌های قوی سوار هستند این قدرت را پیدا می‌کنند که به فراسوی زندگی حیوانی قدم گذارند و آرمان‌ها و خواسته‌های عالی را در پیش پای یک‌سری از خواهش‌ها و لذات آنی و زوال‌پذیر قربانی نکنند. آنچه مسلم است برای تقویت

نیروی اراده بدون برنامه و ضابطه مشخص نمی‌توان گام برداشت؛ چرا که طبع اولیه انسان‌ها به راحت‌طلبی و نازپروردگی میل دارد. برای غلبه بر این میل، باید دست به تعدیل و کنترل عواملی زد که باعث تقویت و تشدید میل به عافیت‌طلبی و تن‌پروری می‌شود. حضرت امام(ره) در کتاب اخلاقی‌شان یکی از اسرار انجام عبادات را تقویت نیروی عزم و اراده می‌دانند و چنین می‌فرمایند: «یکی از فضائل و اسرار عبادات شاقه و پر زحمت آن است که انسان به واسطه آنها دارای عزم می‌شود و بر طبیعت غالب می‌آید و بر ملک چیره می‌شود و اگر اراده تام و تمام بشود و عزم قوی و محکم گردد مثل ملک بدن و قوای ظاهره و باطنه آن مثل ملائکه الله شود که عصیان خدا نکنند به هر چه آنها را امر فرماید اطاعت کنند و از هر چه نهی فرمایند نهی شوند بدون آنکه با تکلف و زحمت باشد. قوای ملک انسان هم اگر مسخر روح شد تکلف و زحمت از میان برخیزد و به راحتی مبدل گردد و اقالیم سبعة ملک تسلیم ملکوت شود و همه قوا عمال آن گردند.» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵).

اصل چهارم) تقویت حس کرامت

حس کرامت یا همان احساس خودارزشمندی این امکان را به فرد می‌دهد که قیمت وجودی‌اش را بالاتر از آن بداند که بخواهد در مقابل امور بی‌ارزش دنیا خویشتن را به حراج گذارد. افرادی که در معامله با دنیا خودفروشی می‌کنند و یوسف جان را به «ثمن بخش» می‌فروشند، این معنا را فراموش کرده‌اند که به‌عنوان یک انسان، حامل سرمایه‌های بی‌بدیلی هستند که به لحاظ ارزشمندی با هیچ ترازوی دنیوی قابل ارزش‌گذاری نیستند. انسان یگانه موجودی است که دارای کرامت ذاتی است و این کرامت ذاتی باید از طریق کرامت اکتسابی تقویت شود. «این بزرگی که به آن «بزرگواری» می‌گوئیم در مقابل دنائت و پستی است. انسان در روح خود احساس بزرگواری می‌کند یعنی شرافتی را در خودش درک می‌کند که به موجب آن از دنائت‌ها احتراز دارد» (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰). این احساس درونی که از روح خداگرای انسان سرچشمه می‌گیرد به اندازه‌ای مهم است که تحت هیچ شرایطی نباید مورد خدشه قرار گیرد. در منظومه اخلاق اسلامی کرامت و عزت نفس انسان در کانون ارزش‌های اخلاقی قرار دارد و ماندگاری ارزش‌ها در حیات انسان، مشروط به بقای ارزش کرامت در نهاد فرد وابسته است. برخورداری از مواهب دنیا فی‌نفسه مذموم و مطرود نیست؛ لکن توجه به حد برخورداری از این مواهب امری فوق‌العاده مهم است؛ زیرا اگر حدودی

برای تمتع از دنیا در نظر گرفته نشود به تدریج شخصیت فرد به اسارت اشیاء و ابزار در می آید و منزلت وجود انسان تا سر حد یک شیء و ابزار هبوط می یابد.

اصل پنجم) خودارزیابی

مسئله خودارزیابی و ارتباط آن با سعادت انسان از اساسی ترین آموزه های شریعت اسلام است. بر هر مسلمانی فرض است که عملکردهای خویش را در ترازوی عقل و نقل معتبر (وحی) مورد سنجش قرار دهد و کمبودها و زیاده روی های احتمالی را با تیزبینی و حساسیت بالا تشخیص دهد و درصدد درمان آنها برآید. مزیت خودارزیابی آن است که از ضریب خطاهای گفتاری و رفتاری کاسته می شود و حرکت شخص به سوی کمالات معنوی سیر سعودی به خود می گیرد. اگر مراقبت کافی از منش انسانی به عمل نیاید و فرایندهای درونی مورد پایش و اندازه گیری دقیق قرار نگیرد به طور حتم ساختمان درونی فرد از استانداردها و الزامات کیفیت در سه حوزه شناخت، نگرش و عمل فاصله می گیرد. هرگونه اهمال و سستی در این خصوص، عمل برگشت یا همان بهبود فرایندها را با دشواری های طاقت فرسا روبرو می کند. از رسول اکرم (ص) نقل شده که فرموده اند: «عَوِّدُوا قُلُوبَكُمْ التَّرَقُّبَ وَ اكْثِرُوا التَّفَكُّرَ وَ الِاعْتِبَارَ؛ دل هایتان را به مراقبت عادت دهید و زیاد بیندیشید و عبرت بگیرید» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱۶).

دلالت های تربیتی

هر چند آدمی در دنیا زاده می شود و رشد می کند؛ ولی زندگی در آن یک مقوله آموختنی است. این تصور که بدون آموزش می توان به طور انسانی و سالم زیست؛ درست نیست. این مقاله نشان داد که زندگی در دنیا ابعاد و پیچیدگی های زیادی دارد و آگاهی از آنها محتاج مطالعه و تفکر عمیق است.

پاسخ به این سؤال که «انبیاء برای چه هدفی مبعوث شده اند؟» حقایق زیادی را آشکار می کند. این رهبران الهی به این دلیل از سوی خداوند برانگیخته شده اند که نسبت بندگان خدا را با دنیا و آخرت تنظیم کنند. این نسبت به قدری اهمیت دارد که در یک حالت انسان را در دام دنیا طلبی گرفتار کند و در حالت دیگر او را از تعلقات اسیرکننده دنیوی آزاد می کند و تعالی می بخشد. با توجه به تبیینی که از ماهیت دنیا و آخرت به عمل آمد و با تأکید به اینکه از طریق تعلیم و تربیت باید چگونگی حیات

دنیوی و حرکت به هدف غایی قرب الهی را آموخت؛ دلالت‌های تربیتی مبتنی بر تحلیل یادشده را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. هدف‌های تربیتی

مهم‌ترین دلالت استنتاجی از تحلیل نسبت دنیا و آخرت، اهداف تربیتی است. شناخت ماهیت دنیا، آگاهی از نسبت دنیا و آخرت، توانایی آبادکردن دنیا، تقویت روحیه صبر و بردباری، یادگیری سبک زندگی از جمله هدف‌هایی هستند که به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

۱-۱. شناخت ماهیت دنیا

جهل به ماهیت دنیا و جایگاه آدمی در آن منشأ اغلب انحرافات و خطاهای انسان است. وقتی او به درستی درک کند که دنیا فانی است و به آنچه که فانی است نباید دل بست، خیلی از گرفتاری‌های فکری، روحی و روانی حل می‌شود و امور حیات انسان در عرصه عمل نیز سامان بهتری می‌یابد. وقتی برای او معلوم شود که دنیا در حال تغییر است و امکانات و توانایی‌های فردی و اجتماعی نیز به تدریج رو به افول می‌روند، گرفتار شیفتگی و دلبستگی به زیور و زینت دنیا نمی‌شود و با حریت و آزادی زندگی می‌کند. چنانچه آدمی این حقیقت را به درستی بفهمد که همه کجروی‌ها و فسادهای برخی افراد از دنیاپرستی و عصیان در برابر خداوند ریشه می‌گیرد، به‌طور طبیعی نسبت به دنیا طلبان نگرش منفی پیدا می‌کند و از طریق آن خود را می‌سازد. بی‌شک چنانچه نگرش‌های منفی و مثبت انسان در اثر استمرار و تحکیم به شاکله تبدیل شود، نقش مربی را نسبت به روح و روان ایفا می‌کند.

۲-۱. آگاهی از نسبت دنیا و آخرت

هرچند از طریق شناخت درست دنیا، آخرت نیز تا حدود زیادی شناخته می‌شود؛ ولی در فعالیت‌های تربیتی باید فرصت خاصی برای فهماندن نسبت دنیا و آخرت پیش‌بینی کرد. اگر فرد به این حقیقت پی ببرد که دنیا محل عبور به سوی حیات جاودان است و برای این حقیقت باید تلاش کرد، چنین فردی در دنیا زندگی می‌کند؛ ولی در آن ذوب نمی‌شود. ذوب شدن در دنیا معلول آن حالتی است که انسان تصور کند که دنیا مقصد و نهایت زندگی است. در حالی که اگر متوجه شد دنیا راه است و مقصد عالم آخرت و رسیدن به حیات پاینده است، طور دیگری زندگی می‌کند.

باید در اینجا به این نکته مهم اشاره کرد که بین انسان‌شناسی و نسبت‌شناسی دنیا و آخرت رابطه نزدیک و وثیقی وجود دارد. با شناخت مبدأ، حیات و مقصد حیات انسان، به سهولت می‌توان رابطه دنیا و آخرت را به افراد آموزش داد. برای نمونه در قرآن حکیم آمده است: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ؛ ای آدم، همانا تو به سوی پروردگارت سخت کوشنده و رونده هستی، پس او را دیدار خواهی کرد» (انشقاق، ۶).

۳-۱. توانایی آباد کردن دنیا

صرف اینکه انسان بپذیرد دنیا فانی و آخرت باقی است «ما عندكم ينفدُ و ما عند الله باق؛ آنچه نزد شماست رفتنی است و آنچه نزد خداست باقی است» (نحل، ۹۶) یا اینکه باور کند دنیا مزرعه آخرت است کفایت نمی‌کند. او باید مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌ها را برای آبادانی زمین به دست آورد. آبادانی زمین محدود به کاشتن و ساختن نیست؛ بلکه هر اقدامی که به تولید فکر، فرهنگ و آثار مفید منجر شود و زمینه رشد و تعالی آدمی را فراهم کند از مصادیق عمران است. افراد باید پیام‌زنند که در دنیا باید فعال باشند و نقش جانشینی خدا را از طریق آفرینندگی و خلاقیت ایفا کنند. در قرآن کریم آمده است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ همانا من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت» (بقره، ۳۰) از جمله ویژگی‌های جانشین خداوند ساختن و آفریدن است. انسان تنها موجودی است که قدرت آفرینندگی دارد، برای ایفای این نقش باید مهارت‌های مورد نیاز را یاد بگیرد و فرصت‌های مناسب برای به فعلیت رساندن آنها را به دست آورد. بنابراین، نظام تربیتی مطلوب، نظامی است که توانایی آباد کردن و اثرگذاری مثبت در دنیا را به فراگیرندگان بیاموزد. از جمله این توانایی‌ها «اندیشیدن» و «عمل» بر پایه اندیشه است. بدون تردید کسی که ماهرانه می‌اندیشد، ماهرانه عمل می‌کند. عمل و اقدام می‌تواند چند جلوه داشته باشد. جلوه اجتماعی عمران دنیا در مهارت‌هایی مانند تعاون، احسان، همدلی و امثال آنها بروز و ظهور پیدا می‌کند. در حقیقت فردی که غم جامعه دارد و به یاری دیگران می‌شتابد و اهل احسان و همدردی با هم‌نوعان است در حقیقت به آبادانی جامعه یاری می‌رساند. به همین ترتیب، کسی که در طبیعت کاوش و زمین را استعمار و تولید می‌کند به عمران زمین کمک می‌کند. عمران و آبادانی را باید در دامنه وسیع‌تر از طبیعت در نظر گرفت. هر آنچه که در حیات انسان فرصت‌آفرینی می‌کند و ظرفیت تعالی انسان را ارتقا می‌بخشد در زمره عمران قرار می‌گیرد.

۴-۱. تقویت روحیه صبر و پایداری

داشتن صبر و بردباری داشتن در برابر مصائب و مشکلات روحیه فوق‌العاده مهم و با ارزشی است که در اثر تربیت صحیح در وجود فرد شکل می‌گیرد. بشارت به صابران در قرآن حکیم حاکی از آثار و نتایج بی‌بدیلی است که در اثر صبر حاصل می‌شود. قرآن حکیم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست، آنگاه پایداری کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند که نترسید و اندوه مدارید و شما را مژده باد به آن بهشتی که نوید داده می‌شدید» (فصلت، ۳۰).

چنانچه نظام تربیتی افراد را مؤمن بار آورد به احتمال قوی صابر نیز خواهند بود. هرچند برای تقویت صبر و بردباری در افراد فرصت‌های تربیتی خاص باید در نظر گرفته شود. به همین دلیل در سوره والعصر سفارش متقابل به صبر در کنار سفارش متقابل به حق قرار گرفته است. ممکن است فردی از نظر ایمان راسخ باشد، ولی مانند کوه راسخ نباشد. راسخ بودن همانند کوه افزون بر ایمان به شرایط تربیتی ویژه احتیاج دارد. از جمله آنها قرار گرفتن در مقابل بلا و مصیبت است. وقتی سختی‌ها ظاهر شوند صبر و پایداری نمایان می‌شود و قوت پیدا می‌کند. بدون تردید نظام تربیتی لائیک نمی‌تواند انسان صابر پرورش دهد و نظام تربیتی الهی دور از متن زندگی نیز نخواهد توانست به این مقصود برسد. تربیت مبتنی بر واقعیت‌های زندگی ظرفیت تقویت روحیه صبر و پایداری را به وجود می‌آورد.

۵-۱. یادگیری سبک زندگی

سه سبک زندگی در حیات بشر قابل طرح است: الف) آخرت‌گرایی (دنیاستیزی؛ ب) دنیاطلب آخرت‌گریز؛ ج) دنیاگرایی آخرت‌طلب. آخرت‌گرایی امر مطلوب و پسندیده‌ای است، ولی اگر با دنیاستیزی همراه باشد مفید و مقبول نخواهد بود. دنیا محل فعلیت یافتن استعدادهای فطری آدمی است و نباید با آن به ضدیت پرداخت. از سوی دیگر، دنیاطلبی همراه با آخرت‌گریزی نیز مورد تأیید اندیشه اسلامی نیست؛ زیرا انسان برای استقرار در دنیا آفریده نشده است و به سوی حیات جاودان حرکت می‌کند. شایسته آن است که انسان نسبت به دنیا و آباد کردن آن گرایش داشته باشد، ولی منزل و مقصد اصلی خود را فراموش نکند. مقصد اصلی او آخرت است. آخرت را اعمال او در دنیا می‌سازد. بر این اساس، می‌توان گفت دنیا و آخرت اتصال و ارتباط

دائمی دارند. هر رفتار ما در دنیا آخرت ما را به وجود می‌آورد. هر لحظه دنیا، آخرت ما نیز است. حسابرسی نهایی اعمال و رفتار در روز حساب خواهد بود.

محتوای تربیت

مواد درسی گوناگون در نظام آموزشی کشور فرصت مناسبی برای آموزش شناخت دنیا و آخرت و دستیابی به اهداف را فراهم کرده است. با توجه به ماهیت و اقتضانات هر ماده درسی می‌توان محتوایی را انتخاب و با محتوای ویژه هر درس تلفیق کرد. بدیهی است که تربیت افراد برای برقراری نسبت و ارتباط معقول و رشد دهنده بین حیات دنیوی و اخروی به صورت مستقل از محتواهای آموزش رسمی و به صورت یک درس مستقل مناسب نیست. برای نمونه، جهت توانا ساختن افراد برای آباد کردن دنیا محتواهای متناسب با دروس معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، اقتصاد و تعلیمات اجتماعی می‌توان طراحی کرد و با روش بین‌رشته‌ای به سازمان‌دهی آن پرداخت. در دروس معارف اسلامی، جایگاه حقیقی دنیا و آخرت با مثال‌ها و رویکرد آموزشی مصداقی و قابل فهم آموزش داده می‌شود و در درس زبان و ادبیات فارسی از طریق انتخاب متون ادبی و مهارت‌های زبانی مربوط به این موضوع تدریس می‌شود و در درس اقتصاد نیز جنبه تولیدی و استعمار زمین بررسی می‌شود. بنابراین ضروری است در یک شورای برنامه‌ریزی درسی با صلاحیت و با نگاه تحلیلی، مفاهیم، اصول، ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های همسو با هدف‌های مورد نظر انتخاب شود و با رویکرد تلفیقی با دروس گوناگون پیوند یابد.

محتوای مرتبط با رابطه دنیا و آخرت محدود به محتواهای رسمی و ساختاریافته نیست، بلکه معلمان می‌توانند در فرصت‌های گوناگون و در مباحث تکمیلی محتواهای آموزشی بر محور موضوع یادشده، گفتگوهای اثربخش داشته باشند. معلم موفق هرگز خود را به زمان و زمینه محدود کلاس درس و ماده درسی محدود نمی‌کند؛ بلکه فرصت‌های قابل انعطاف برای تربیت متربی به وجود می‌آورد. مربیان پرورشی که در مدارس کشور به طراحی و اجرای برنامه‌های تربیتی اشتغال دارند؛ می‌توانند از ساعت پرورشی هفتگی و سایر فرصت‌های تربیتی در خصوص تربیت معنوی و تقویت نگرش آخرت‌گرایانه استفاده کنند. در این فعالیت‌ها، محتوای تربیتی در تعامل مربی و متربی تولید می‌شود و جنبه فرایندی دارد. بی‌تردید برای تحقق هدف‌های تربیتی وسیع، محتوای کتاب‌های درسی کفایت نمی‌کند و از محتواهای رویدنی (emergent) که ضمن فعالیت‌های تربیتی و تعامل دو طرف تربیت تولید می‌شود، باید بهره گرفت.

روش‌های تربیت

بحث دنیا و آخرت و درک صحیح رابطه آنها یکی از آموزه‌های مهم قرآنی است که می‌توان از روش‌های قرآنی نیز استفاده کرد. قرآن کریم افراد را طوری تربیت می‌کند که به‌عنوان عنصر فعال به عمران و آبادانی بپردازند؛ ولی دل به دنیا نبندند. دلبستگی به متاع اندک دنیا، انسان را زمین‌گیر می‌کند و مانع تعالی روحی و فکری او می‌شود. در قرآن مجموعه‌ای از روش‌ها پیش‌بینی شده است که اجرای آنها زمینه پیشرفت و اعتلای شخصیت را فراهم می‌کند.

یکی از روش‌های مورد تأکید قرآن، تفکر است. قرآن در آیات متعدد، آدمی را به فکر وامی‌دارد و از این طریق او را با حقایق امور آشنا می‌کند. بدون شک چنانچه انسان درباره دنیا و فراز و فرود آن به‌طور دقیق و مبری از تعصبات و گرایش‌های غیر عقلانی بیندیشد، بی‌ثباتی و رو به زوال بودن آن را درک می‌کند و با فطرت جاودان‌گرای خود به سوی حیات اخروی رو می‌نهد.

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا؛ همانا کسانی که ایستاده و نشسته و بر پهلوها خفته خدا را یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [ومی‌گویند: پروردگارا، این را به گزاف و بیهوده نیافریدی]» (آل عمران، ۱۹۱).

یکی دیگر از روش‌های مورد تأکید قرآن، عبرت‌آموزی است. این روش در تنبه و آگاهی انسان‌ها اثر بسیار زیادی دارد؛ زیرا غفلت از حقایق عالم هستی و دستورات شرع مقدس یکی از عوامل انحراف از صراط مستقیم است. وقتی که آدمی به آثار و بقایای حیات دنیوی اقوام و ملل گذشته می‌نگرد و می‌اندیشد، روحیه حق‌پرستی و آخرت‌گرایی در او رشد می‌کند. راز اینکه در قرآن فراوان تأکید شده است که در زمین سیر کنید و عاقبت آنانی را قبل از شما بودند، بنگرید؛ همین مسئله است. صرف شنیدن حقایق، دل را بیدار نمی‌کند؛ بلکه مشاهده آثار حوادث و عملکردهای گذشتگان عامل مؤثر فهم حقایق است. تنها قوم عاد و ثمود نیست که محل عبرتند. عواقب هلاکت‌بار صاحبان فرهنگ و مشی عادها و ثمودها در عصر حاضر نیز پدیده‌های عبرت‌آموز هستند. فقط کافی است افراد با اندیشیدن در عمق انحطاط آنان درس بگیرند.

الگو گرفتن از نمونه‌ها و مثال‌های بارز تقوا و خداترسی نیز روش تربیتی مؤثر است. افرادی از میان انسان‌های اهل عبادت می‌توان یافت که برای اصلاح امور دنیوی

فعالانه تلاش می‌کند، ولی ولایت دنیا را نپذیرفته‌اند. در دنیا هستند ولی با دنیا نیستند. رابطه معیبتی با دنیا رابطه منفی و هلاکت‌بار است؛ زیرا در این وضع، آدمی با دلالت‌های متاع اندک دنیا حرکت می‌کند. از شخصیت‌هایی که رابطه معقول با دنیا برقرار کرده‌اند، باید الهام گرفت و با مشی آنان پیش رفت و از آنانی که دنیاپرستی و آخرت‌گریزی را در پیش گرفته‌اند؛ دوری کرد.

معاداندیشی نیز به‌عنوان یک روش در ایجاد تحول در نگرش انسان مؤثر است. قرآن در آیات متعدد، معاد اندیشی را به بندگان خود می‌آموزد و آنان را بیدار می‌کند. در سوره قیامت می‌فرماید: «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ؛ سوگند می‌خورم به روز رستاخیز [که آدمی را به روز رستاخیز برخوایم انگیخت] آیا آدمی می‌پندارد که استخوان‌هایش را فراهم نخواهیم کرد؟ چرا ما قادریم بر اینکه سر انگشتان او را هم راست و درست کنیم» (قیامت، ۱-۴).

از روش‌های دیگر نیز می‌توان در موضوع مورد بحث استفاده کرد، ولی به‌زعم نگارندگان روش‌های یادشده با اهداف ذکر شده تناسب بیشتری دارد. بیان این نکته بسیار مهم است که معلم با رفتار متعادل و معقول خود در امور دنیوی و اخروی بیش از هر روش، اثر تربیتی باقی می‌گذارد. معلمی که تحلیل‌های عمیق و مبرهن به عمل آورد؛ ولی رفتار دنیاطلبانه داشته باشد، توفیق چندانی در تربیت افراد نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

محتوای مقاله بر محور پاسخ به چند سؤال اساسی بررسی و تنظیم شد. در پاسخ به سؤال اول آشکار شد که نمی‌توان حیات دنیوی و اخروی را از هم تفکیک کرد. به‌عبارت دیگر، در دنیا می‌توان طوری زندگی کرد که ویژگی‌های آخرت از قبیل جاودانگی و معنویت‌گرایی در زندگی بروز و ظهور یابد و آدمی در همان حالی که در دنیاست آخرتی نیز باشد. این نگرش بی‌تردید، نیات و اعمال را تحت مدیریت خود در می‌آورد و حرکت در صراط مستقیم را به‌صورت معنادار و پذیرفتنی برای انسان قرار می‌دهد. کسی که در این موضوع نگاه تفکیکی و جدا انگارانه داشته باشد، دنیا را محل قرار خود تلقی می‌کند و در آن به هدف‌های دون و امور مادی صرف اشتغال پیدا می‌کند. آنچه که با عنوان دنیای مذموم گفته می‌شود با این ویژگی غیر انسانی همراه است؛ چون انسان برای دنیا آفریده نشده است، در دنیا آفریده شده، ولی برای آن خلق

نشده است. دنیا گذرگاهی است که باید توشه برداشت و به سوی حیات جاودان حرکت کرد. کسی که با این ویژگی زندگی کند در عرصه حیات طیبه قرار گرفته است. برای دستیابی به حیات طیبه باید قواعدی رعایت شود. نخستین آنها تصحیح نگرش به ماهیت حقیقی دنیاست. چنانچه کسی از ظاهر دنیا عبور و باطن آن را درک کند، هرگز دنیاپرست نخواهد شد. دنیاپرستان قطعاً، جهل به ماهیت دنیا دارند. دنیا محل فرار است نه قرار. قرار بشریت و میعاد و میقات آدمیان، جهان آخرت است. در این نگرش است که باور به حیات جاودان تقویت می‌شود و انسان در همان حالی که در دنیاست، در فکر آبادکردن آخرت خود نیز است. ممکن است فرد یا افرادی دانش لازم را به ماهیت دنیا و آخرت داشته باشند، ولی رفتار متناسب با این نگرش از آنها سر نزنند. در این حالت باید گفت که حرکت در این راه به همت بلند و اراده‌های قوی احتیاج دارد. خدای متعال اراده و اختیار به آدمی داده است، چنانچه این قوه عظیم تقویت و خود فرد از سستی و کسالت دور شود و همت بلند را پیشه خود کند، می‌تواند مسافر خوشبخت جهان باقی باشد. آنانی که با همت بلند و اراده قوی در دنیا به امور متعالی و اخروی می‌پردازند، به تدریج حس کرامت و عزت حقیقی را نیز در خود پرورش می‌دهند. کسی که کرامت ذاتی خود را به درستی بفهمند، با هر نوع تهدید و آفت مقابله و خود را در صراط مستقیم با فلاح و رستگاری مراقبت می‌کنند. افزون بر این، برای صیانت از خود و تقویت روح متعالی و عزت مدار باید به ارزیابی و محاسبه دائمی خود پرداخت. نظر به اینکه آسیب‌های درونی و بیرونی گوناگون، سلامت روحی و ایمانی را تهدید می‌کند به طور مداوم باید آفت‌شناسی کرد و با آنها به مبارزه برخاست.

نکته پایانی اینکه این فضایل و کرامات در حیات دنیوی، سهل و آسان به دست نمی‌آید و بدون مربی و کار تربیتی قابل دسترسی نیست. دستگاه‌های تربیتی در این خصوص وظایفی دارند که قاعداً باید به آن عمل کنند. آموزش و پرورش به‌عنوان اساسی‌ترین بعد حیات بشر در تعلیم و تربیت و آماده‌سازی انسان‌ها برای تحقق تدریجی حیات طیبه در خود و کمک به تحقق آن در زندگی اجتماعی مسئولیت سنگینی به عهده دارند.

پیشنهادها

۱. نظر به اینکه آموزش‌ها در مرحله سنی بنیادین باید انجام پذیرد، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌های نظام تعلیم و تربیت به‌خصوص از سنین پیش از دبستان و دبستان و با

بهره‌گیری از روش‌های دقیق روان‌شناختی، نگرش صحیح به دنیا و نگاه آخرت‌بین در کودکان شکل بگیرد. بدیهی است که تداوم همین رویه در سنین بالاتر، به نهادینه‌شدن موضوع در شخصیت افراد کمک می‌کند.

۲. برای تقویت نگرش صحیح به دنیا و آخرت از همه وسایل تربیتی و رسانه‌ها باید مدد گرفت. چنانچه در نظام آموزشی، هم‌سویی و هماهنگی لازم در هدف‌های تربیتی نباشد، تحقق آن با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. از طریق کتاب‌های درسی، فعالیت‌های فوق برنامه، تربیت معلم، فناوری اطلاعات و غیره می‌توان حرکت هماهنگ و منسجم برای تربیت عمیق و همه‌جانبه دانش‌آموزان به‌وجود آورد.

۳. برای آموزش و آگاه‌سازی والدین نسبت به ماهیت موضوع و روش‌های تربیتی در این خصوص باید اقدام کرد، نظر به اینکه تعلیم و تربیت نخستین و مهارت‌های بنیادین از طریق خانواده شکل می‌گیرد، آموزش خانواده جزء برنامه‌های مهم و اساسی نظام تعلیم و تربیت تلقی می‌شود.

۴. صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه باید در خصوص دنیا و آخرت نظریه‌پردازی کنند. موضوع مورد بحث فقط جنبه فردی ندارد که اخلاقیات بتواند به آن پاسخ گوید و فرد مسئول آن باشد. مجموعه‌ای از مسئولیت‌های کلان اجتماعی و سیاسی قابل طرح است که هرکدام به برنامه‌ریزی خاص خود نیاز دارد. انتظار می‌رود همه فعالیت‌ها و برنامه‌های خرد و کلان به نحوی سامان‌دهی شوند که افراد را نه «دنیاگریز» و نه «دنیاپرست» بلکه «دنیا‌ساز» تربیت کنند. دنیا را طوری بسازند که بهتر و مطلوب‌تر بتواند آدم‌ها را در جهت حیات جاودان به حرکت درآورد. برای مثال بعد اقتصادی که معمولاً با ابعاد دنیوی و مادی سروکار دارد، طوری برنامه‌ریزی شوند که وسیله بودن اقتصاد در حیات دنیوی مورد غفلت قرار نگیرد. سایر ابعاد و عناصر زندگی نیز با همین تدبیر باید اداره شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبوی.
- نهج البلاغه (۱۳۸۰)، ترجمه حسین انصاریان، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- اکبریان، علی (۱۳۷۶)، «دین و سیاست»، فصلنامه انتقادی - فلسفی - فرهنگی، کتاب نقد ش ۳ و ۲.
- امام خمینی (ره) (۱۳۸۱)، شرح اربعین حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره).
- جرّ، خلیل (۱۳۸۶)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: سپهر.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹)، اصول حکمت سیاسی در اسلام، تهران: بنیاد نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، مبادی اخلاق در قرآن، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- زمانی، کریم (۱۳۷۷)، شرح جامع مثنوی معنوی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، ج ۵، تهران: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۹)، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.